«حاجی‌احمدی» مدرس علوم اجتماعی به با «شهروند» از فرهنگ عجله می‌گوید:

مردم خاطری آسوده ندارند

طرح‌نو| ایرانی‌ها در زندگی روزمره‌شان اغلب دوست دارند به هر چه می‌خواهند، خیلی‌زود دست پیدا کنند، مثلا اگر در جایی استخدام شویم، دوست داریم خیلی‌زود راهی برای پیشرفت پیدا کنیم و به پست بالاتری برسیم. در خیابان عجله داریم که زودتر به مقصد برسیم، برای همین از همه سبقت می‌گیریم و آنها را پشت‌سر می‌گذاریم. پشت چراغ قرمز صبر نداریم با این که چشم‌هایمان به ثانیه‌شمار است اما دستی هم بر بوق داریم تا خودرو جلویی زودتر حرکت کند. «عباس کاظمی» در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ عجله در جامعه ایرانی»، زندگی در عجله را زندگی در رفتن توصیف می‌کند، نه زندگی در سکون! او معتقد است، تمدن‌سازی (ساختن) نیازمند توقف و ایستادن است، در عوض عجله می‌تواند شکلی از مدرنیته ایرانی را بنا کند که دایما کارش را از طریق تخریب جلو می‌برد، نه ساختن! در این میان ناپایداری، بی‌تباتی، ویران‌سازی مداوم جامعه، نمی‌تواند با فرهنگ مضطرب، عجول و بی‌هدف نامرتبط باشد. «محمد حاجی احمدی» مدرس دانشگاه در حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات است. او با خبرنگار «شهروند» به گفت‌وگو نشسته و این موضوع را واکاوی کرده‌است.

چرا جامعه ایرانی عجول است؟ آیا این فرهنگ و صبر نداشتن به سبک زندگی ما برمی‌گردد؟

یکی از علت‌های فرهنگ عجله و نداشتن سعه‌صدر و در مواقعی حتی بی‌رحمی در جامعه ایرانی (که باید آن را متغیر وابسته به متغیرهای مستقل دانست)، ریشه در تاریخ کشور ما دارد(!) ما در بسیاری از رفتارهایمان این سعه‌صدر را نمی‌بینیم. سوال اصلی این است که چرا به این‌جا رسیده‌ایم؟

علمای جامعه‌شناسی می‌گویند، هر چیزی را می‌خواهیم تحلیل کنید، باید به سابقه و تاریخ آن در جامعه‌شناسی توسعه برگردیم. در تحلیل این فرآیند هم باید به سابقه تاریخی که متاثر از مسائل سیاسی کشور بوده است، اشاره کرد. یک بحث این است که در جامعه ما از دیرباز رابطه یک‌طرفه میان قدرت و مردم وجود داشته است. این نابرابری و نبود ارتباط دوسویه، نوعی فرهنگ در جامعه ما به‌وجود آورده که افراد از محیط یاد می‌گیرند که زودتر باید کارشان را انجام دهند. در جامعه ما رقابتی در تأمین نیازهای اولیه مردم در سیاست و اقتصاد، نبوده است. حوزه اجتماع هم متاثر از سیاست و اقتصاد شده و نتوانسته است در این فرآیند خود را بارور کند و به بلوغ برساند. در جامعه ما افراد نمی‌توانند سعه‌صدر داشته باشند. همین می‌شود که هر کسی در هرجایی حریص است تا زودتر به آنچه می‌خواهد برسد و او فکر می‌کند اگر نجنبد، فرصتی را از دست می‌دهد که دیگر قابل بازگشت نیست.

نبود شرایط برابر، باعث ایجاد نوعی احساس ناامنی در جامعه هم می‌شود. امنیت روحی - روانی اهمیت بسیار دارد. می‌گویند، اگر می‌خواهید امنیت را در جامعه‌ای بررسی کنید، بگردید در جیب آدم‌ها و ببینید چه تعداد از آنها، کلید در جیبشان است. به‌طور میانگین در جیب هر ایرانی ۵ کلید است که نشان‌دهنده نبود امنیت و خاطرجمعی است. یا رفتار مردم ما در رانندگی را ببینید، مثلا در اتوبان خودروها درحال تردد هستند، راننده‌ای از سمت راست سبقت می‌گیرد، فقط به‌خاطر این که زودتر به مقصد برسد. این فرهنگ مخصوص کشورهای درحال‌توسعه است، همه کشورهای درحال‌توسعه از آسیای‌شرقی گرفته تا خاورمیانه این فرآیند را تجربه می‌کنند. البته نه این که بگوییم کشورهای توسعه‌یافته مدینه‌فاضله هستند؛ آنها مرحله آزمون و خطا را طی کرده‌اند و به بلوغ فکری رسیده‌اند و شرایط باثبات تر روحی و روانی توأم با آرامش را برای خود فراهم کرده‌اند. صرف محکومیت و پرسش از چرایی این مساله، کاری از پیش نمی‌برد. ما باید راه‌حل ارایه دهیم.

چه راهکاری می‌توان برای احیای این جامعه عجول ارایه داد؟

یکی از راهکارها همین است که شما این موضوع را مطرح می‌کنید و ذهن مخاطب را بر این موضوع متمرکز می‌سازید؛ این موضوع خیلی اهمیت دارد که رسانه‌ها، آسیب‌های جامعه را منعکس کنند. دانشگاه در این میان نقش دارد، دولت و مسئولان هم در جای خود در سیاست‌گذاری‌ها نقش موثر دارند. درواقع همان‌طور که اشاره کردم، این متغیر چندوجهی است که به متغیرهای مستقل زیادی وابسته‌است.

فرهنگ عجله چه آسیب‌های فردی و اجتماعی را به جامعه تحمیل می‌کند؟

اولین آسیب، عجله به خود فرد است. فردی که درحال یک مبارزه بی‌انتهاست و بیشترین آسیب‌های روحی، روانی و جسمی را بر خود وارد می‌کند. درگیری‌های خیابانی، پرخاشگری و ناهنجاری‌های رفتاری زیادی را هم می‌تواند منجر شود. دود این معضل به چشم همه می‌رود. بیشتر مردم گله‌مند هستند. مدیریت زمان در زندگی ایرانی‌ها به‌شدت پایین است. این را می‌شود در رفتار راننده‌ها پشت چراغ‌قرمز دید که ۳۰ ثانیه هم صبر ندارند و می‌خواهند سبقت بگیرند. در کشورهای درحال‌توسعه تصور یک‌دقیقه، ۲۰ ثانیه است. یعنی آدم‌ها چشمانشان را می‌بندند و تصورشان از مدت زمان یک‌دقیقه، ۲۰ ثانیه است. این ناشی از وجود استرس، اضطراب و فقدان امنیت‌خاطر است و به همان تاریخ و فرهنگ ما برمی‌گردد که می‌گوید کلاه خودتان را بچسبید تا باد نبرد.

درواقع ما انسان‌های ماسک‌زده هستیم و همه‌چیزمان مخفی است. زندگی خصوصی و عمومی ما تفاوت فاحشی دارد که این یکی از عوامل توسعه‌نیافتگی است. همین نمود نداشتن سعه‌صدر، خودبینی و نداشتن آگاهی از زندگی دیگران است.

بحث ناپایداری شرایط در جامعه هم می‌تواند در این فرآیند موثر باشد؟

بله، ناپایداری حکومت‌ها و دولت‌ها و تغییر شرایط اقتصادی بر واکنش افراد در زندگی اجتماعی تاثیرگذار است. افراد در گذر از شرایط ناپایدار، کنش‌های مختلفی نشان می‌دهند. وقتی می‌گویند، یک کلایی کم است، مردم ناخودآگاه هجوم می‌آورند تا خلأ را برای خودشان پر کنند. غافل از این که وقتی چیزی در جامعه ایپدمی شود، همه را دربر می‌گیرد. به نظر من، برای برون‌رفت از شرایط نداشتن صبر و حوصله باید سعی کنیم که آگاهی افراد را نسبت به خود و محیط پیرامونشان بالا ببریم. این فقط به رسانه برنمی‌گردد همه عرصه‌ها می‌تواند خاستگاه این هدف باشد تا افراد نسبت به خود و جامعه شناخت پیدا کنند.

ادامه دارد

عجله از درون ناپایداری شرایط بیرون می‌آید

ما اصطلاحی در فرهنگ خود داریم که می‌گوید «دم را غنیمت بشمار». این مفهوم از این منظر که به بهره‌بردن از لحظه‌ها و استفاده بهینه از ثانیه‌های زندگی دلالت دارد، مثبت است. اما چیزی که به‌عنوان غنیمت‌شمارِدن دم در جامعه ما عمومیت پیدا کرده است، به نظر من ناشی از یک ویژگی و مسأله اجتماعی دیگری در ایران است که باعث می‌شود بخواهیم خیلی عجله کنیم و زود به نتیجه برسیم.

این ویژگی اجتماعی به این دلیل است که پایداری در شرایط وجود ندارد. اتفاقی که چند سال پیش افتاد و می‌توان آن را به‌عنوان نمونه ذکر کرد، موضوعی اقتصادی مربوط به بازار ارز است. در آن مقطع زمانی، قیمت دلار در مدت زمان کوتاهی ۳ برابر شد. معنای جهش قیمت دلار با آن ضریب در آن مقطع (و البته همیشه) این است که ارزش دارایی‌های مردم به یک‌سوم کاهش پیدا کرد. یعنی کارمندی که بیش از ۱۰ سال پس‌انداز کرده بود که بتواند خانه بخرد، دیگر باید فاتحه آن را می‌خواند یا این که شاید ۲۰ سال دیگر هم باید تلاش کند تا بتواند خانه بخرد.

وقتی پایداری در شرایط وجود ندارد، آدم‌ها به این نتیجه می‌رسند که باید از هر فرصتی بهترین استفاده را بکنند یا این‌که برای خودشان فرصت بسازند. در این فرآیند، آدم‌ها، روال‌ها و رویه‌ها را رد می‌کنند یا دور می‌زنند. طبیعتا این اتفاق‌ها هیچ‌کدام در یک روند سالمی صورت نمی‌گیرد و مستلزم زیربا گذاشتن قانون و حقوق دیگران است. پس وقتی که در جامعه ثبات و شایسته‌سالاری وجود نداشته باشد و اصلی‌ترین عامل که حاکمیت قانون است هم در جامعه به درستی تبیین و اجرا نشود، مردم از روندهای اجتماعی این مجوز را می‌گیرند که به آسانی می‌توانند با زیرپا گذاشتن قانون به نفع شخصی خود برسند و منفعت‌طلبی به‌واسطه قانون سد نمی‌شود، بدیهی است که مردم هم دنبال راه‌های میانبر برای زودتر رسیدن به نتیجه خواهند بود.

در این فرآیند عجله، جامعه چیزهایی را از دست می‌دهد؛ به‌واقع دوررزدن زمان ناشی از عجله‌ای است که جامعه برای رسیدن به نتیجه دارد و فکر می‌کند اگر زودتر به نتیجه نرسد، حقش را دیگران می‌خورند. فکر می‌کند اگر زود نجنبد و زود اقدام نکند دیگر توانایی به دست آوردن آن لذت و منفعت را ندارد. من فکر می‌کنم بحث دوررزدن زمان، فرآیند ثانویه است؛ فرآیند اولیه، همان روندها و پیش‌درآمدهایی است که وجود دارد و باعث ناسالم‌شدن روابط و از بین رفتن نهادهای نظارت و قانون و از بین رفتن ارزش شایسته‌سالاری و ارزش دانش و ارزش جامعه‌ای است که در آن تلاش و رشد منزلت دارد.

به‌عبارتی، روندهای پیش‌درآمد به‌وجود آمدن فرهنگ عجله، می‌توانند همه ساختارهای ارزشی جامعه را تخریب کند و بهای آن را از بین ببرد.

ذره بین

فرهنگ رفتاری یا بی‌هنجاری؟

هادی معتمد
آسیب‌شناس

صرف نظر از بحث‌های تحلیلی و لحاظ کردن این موضوع که جامعه ایران با توجه به جوان و کم تجربه بودن تا حدودی رفتارهای عجولانه از خود نشان می‌دهد، در بسیاری از موارد بازدارنده نبودن قوانین باعث بروز چنین رفتاری می‌شوند. بنابراین وقتی می‌خواهید کاری انجام دهید، به سبب فقدان عوامل بازدارنده، ممکن است با عجله رفتار کنیم و درعین‌حال برایمان مشکلی به وجود نیاید. با این وجود اما عوامل بازدارنده به‌عنوان مثال وجود دوربین‌های متعدد در مقوله ترافیک باعث می‌شود در این زمینه هیچ عجله‌ای در کار نباشد زیرا فرد می‌داند با انجام کوچکترین تخلف‌ها، دوربین مسأله را ثبت می‌کند و فرد مرتکب، جریمه می‌شود. بنابراین وقتی عوامل بازدارنده نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، ممکن است صفت عجول بودن ایجاد شود. در ضمن تحقیق دقیقی در این بحث عجله انجام نگرفته تا بتوانیم با استفاده از آن بگوییم کدام جامعه عجول‌تر است. حداقل من در این زمینه تحقیق مستقل و همه جانبه‌ای ندیده‌ام. بنابراین ممکن است قضاوتی که شاهد آن هستیم یک برداشت شخصی یا نظر به باشد.

اتفاقا در برخی مواقع بیشتر ما کاملا برعکس عمل می‌کنیم. در خیلی از موارد کارهایمان را در همان دقیقه نود انجام می‌دهیم. شاید عجول بودن در ذهن ما ایرانی‌ها بیشتر در مباحثی چون فرهنگ ترافیک و خیابان دیده شود. و الا در مهمانی‌ها، افراد یک ساعت مقابل در می‌ایستند و هیچ عجله‌ای برای خداحافظی ندارند. در محل کار هم برخی از کارمندان هیچ عجله‌ای برای انجام کار ارباب‌رجوع ندارند. آنها به اندازه‌ای در انجام کار لفت و لعاب می‌دهند که ارباب‌رجوع از پیگیری کارش پشیمان می‌شود. در مدارس هم بعضی از دانش‌آموزان ما هیچ عجله‌ای برای درس خواندن و فهم مسائل مطرح شده در کلاس ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد مسأله مورد بحث بیشتر به بی‌هنجاری اخلاقی مربوط است تا نوعی فرهنگ. برخی به قدری در انجام برخی از کارها لفت و لعاب می‌دهند و انجام کارها را با تنبلی معطل می‌گذارند که بارها شاهد شنیدن جمله «کار امروز را به فردا نیفکنید» هستیم. چرا ما همیشه باید کارها را در دقیقه ۹۰ انجام دهیم؟ چرا همیشه فکر می‌کنیم برای انجام کارها زمان هست؟

اگر بپذیریم عجول بودن در برخی کارها وجود دارد، شاید مسأله مربوط به مناسبات و کارهایی باشد که ذاتا وارداتی هستند. ترافیک و بحث‌هایی شبیه آن، از این دست کارها به حساب می‌آیند. با این وجود فرهنگ ما در معنای فرهنگ ایرانی صبور به حساب می‌آید. از همین رهگذر بارها در کلاس‌های درس به دانشجویان می‌گوییم در درس خواندن و به‌طورکلی انجام کارهایتان عجله کنید. به نظر من این ماجرا گواهی بر وجود تناقضی رفتاری، در بین رفتارهای ماست. برخی مواقع به غایت عجول هستیم و در پاره موارد کار را با تنبلی پیش می‌بریم. به همین خاطر است که معتقدم در مورد عجله به جای استفاده از فرهنگ رفتاری باید از بی‌هنجاری که تعریف خاصی برایش وجود ندارد استفاده کرد.

برخی موارد به دلیل کاهش مهارت‌های زندگی، به ما نیاموخته‌اند اگر قصد مسافرت دارید، خود مسیر مسافرت هم جزیی از مسافرت به حساب می‌آید. ما از خانه حرکت می‌کنیم و مسیر را تخت گاز طی می‌کنیم تا سریع‌تر به مقصد برسیم. در نهایت هم از یک خانه (در یک شهر خاص) به خانه‌ای دیگر (در شهر دیگر) می‌رویم بنابراین در مسأله سفر، مسیر برای ما اهمیتی ندارد. در مورد غذا خوردن هم ما فرهنگ لازم را نداریم و در این حوزه آموزشی ندیده‌ایم. با این وجود آموزه‌های دینی هم بر فرهنگ غذا خوردن تأکید فراوان دارند. به‌عنوان مثال امیرالمومنین علی‌ابن ابی‌طالب(ع) فرموده‌اند، زمانی که سر سفره غذا هستید، از عمر شما حساب نمی‌شود. این امر به آن خاطر است که غذا به آرامی خورده شود و سلامت فرد حفظ شود. مسأله‌ای که با آن مواجه هستیم ناشی از بی‌هنجاری است که درباره‌اش توضیح دادم. البته نمی‌توانیم توضیح دهیم چرا این‌گونه است. چرا در برخی از رفتارهایمان تا حد زیادی شل و ول رفتار می‌کنیم و در برخی از رفتارها عجولانه؟ به‌عنوان مثال افراد تا ۱۰ صبح می‌خوابند و ۲ بعدازظهر به مهمانی می‌روند. بنابراین در این مثال هیچ عجله‌ای برای استفاده از روز تعطیلشان ندارند. همین افراد وقتی به مهمانی می‌روند، غذایی را که برای تهیه آن ساعت‌ها وقت صرف شده در مدت ۱۰ دقیقه می‌خورند. به نظر می‌رسد مسأله مربوط به مقوله مهارت‌های زندگی است با این توضیح که با بخشی از مهارت‌های زندگی که مربوط به غنیمت دانستن وقت و فرصت می‌شوند، آشنایی نداریم. این رفتارها سلامت جسم و جان را به خطر می‌اندازد. ما یکی از کشورهایی هستیم که تصادفات رانندگی و فوت ناشی از آن درونشان فراوان است. ما در تمام زمینه‌هایی که عجول هستیم متضرر می‌شویم. به نظر می‌رسد فرهنگ عجله کردن را باید «فرهنگ سرعت مناسب در بروز رفتارها داشتن» معنا کنیم و این مهارت را بیاموزیم.

شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران (سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی خرید خدمات مشاوره
شماره: ۳۳/۹۳/۴۰

اداره کل ارتباطات و علائم الکتریکی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران درنظر دارد «خرید خدمات مشاوره نظارت بر اجرا، نصب و بهره‌برداری عملیات نگهداری و تعمیر تجهیزات رادیویی آلات ناقله ریلی» را طبق شرایط مندرج در اسناد به شرکت‌های واجدشرایط واگذار نماید.

متقاضیان می‌توانند به منظور شرکت در ارزیابی کیفی و خرید اسناد، از تاریخ انتشار آگهی لغایت چهارشنبه مورخ ۹۳/۱۲/۲۰ با در دست داشتن معرفی‌نامه معتبر به آدرس: تهران- میدان آرژانتین- خیابان آفریقا- ساختمان ادارات مرکزی راه‌آهن ج.ا.ا طبقه پانزدهم - اداره کل ارتباطات و علائم الکتریکی- امور قراردادها مراجعه نمایند. مهلت تحویل اسناد ارزیابی تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۹۴/۱/۱۵ به آدرس فوق‌الذکر می‌باشد. قیمت خرید اسناد ارزیابی کیفی ۳۰۰/۰۰۰ (سیصدهزار) ریال به حساب شماره ۴۰۰۱۰۶۴۰۰۴۰۰ ۵۷۴۷ به نام وجوه درآمدهای راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی می‌باشد. متعاقبا از شرکت‌هایی که حائز حداقل ارزیابی کیفی باشند دعوت به عمل می‌آید.

اداره کل ارتباطات و علائم الکتریکی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران

م/الف ۴۴۱۶